

بررسی تاثیر متغیر اقتصاد نوین بین الملل بر نظام بین الملل، بر اساس نظریه وابستگی متقابل

مهدی سلامی^۱

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

چکیده

از دیرباز تاکنون دولت ها برای بقای حکومت خود، به نقش آفرینی یک مولفه مهم پی برده اند و آن اقتصاد است. همانگونه که هر عاملی اگر در مرحله جهانی قرار بگیرد به یک مسئله بین المللی تبدیل می شود متغیر اقتصاد هم از این قاعده مستثنی نیست و به همین دلیل از واژه اقتصاد بین الملل استفاده خواهیم کرد. پس از انتشار نظریه وابستگی متقابل توسط جوزف نای و تبدیل شدن حالت انتخابی همکاری دولت ها به حالت اجتناب ناپذیری همکاری بین آن ها، نوعی تحول در نظام بین الملل پدیدار شد. سپس میزان وابستگی و درهم تنیدگی کشورها بیشتر شد و اقتصاد بین الملل به سمت اقتصاد نوین بین الملل حرکت کرد و به یکی از مهم ترین متغیرها در نظام جدید بین الملل تبدیل شد. سوالی که می توان آن را مطرح کرد و این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به آن است، همین مسئله است که متغیر اقتصاد نوین بین الملل که بر اساس وابستگی متقابل شکل گرفته چه تاثیری بر نظام بین الملل داشته است؟

واژه های کلیدی: اقتصاد بین الملل، نظام بین الملل، وابستگی متقابل، لیبرالیسم